

نمایش نامه

بچه
و

این جا کجاست؟

www.ketab.ir

• سرشناسه: ثمینی، نغمه، ۱۳۵۲ - Samini, Naghmeh • عنوان و نام پدیدآور: بچه و این جا کجاست؟ / نغمه
 ثمینی؛ زیر نظر رضا رضایی، با همکاری رحمان سهندی • مشخصات نشر: تهران، نشرنی، ۱۴۰۰ • نوبت چاپ: چاپ
 اول، ۱۴۰۰ • مشخصات ظاهری: ۸۹ ص • فروست: جهان نمایش • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۴۱۲-۹ • وضعیت
 فهرست‌نویسی: فیپا • یادداشت: بالای عنوان: نمایش‌نامه. • موضوع: نمایش‌نامه فارسی - قرن ۱۴، Persian dra-
 ma - 20th century • رده‌بندی کنگره: PIR۸۰۰۲ • رده‌بندی دیویی: ۸۷۲/۶۲ • شماره کتاب‌شناسی ملی:
 ۸۷۰۳۸۱۴ • وضعیت رکورد: فیپا.

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

www.ketab.ir



نشرنی

بچه

و

این جا کجاست؟

نغمه ثمینی

صفحه‌آرا: نگار خلیلی

طرح روی جلد: الهه خلیج‌زاده

لیتوگرافی: باختر • چاپ و صحافی: غزال

چاپ اول: تهران، ۱۴۰۰، ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۴۱۲-۹

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نامبر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreney.com • email: info@nashreney.com • nashreney

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازهٔ مکتوب ناشر ممنوع است.

۷	مقدمه
۹	بچه
۱۱	شخصیت‌ها
۱۳	مینای اول: کرد ایزدی
۲۹	مینای دوم: افغان
۴۰	مینای سوم: لیبیایی
۴۸	چهارم: مترجم
۵۷	این‌جا کجاست؟
۵۹	شخصیت‌ها

نمایش‌نامه‌نویس جهان را به صورت «نمایشی گسترده و بی‌انتهای» می‌نگرد. عادت می‌کند که هر موقعیت را طوری ببیند که انگار روی صحنه تئاتر است و بازیگرانی آن را اجرا می‌کنند. بی‌راه نبود که شکسپیر باور داشت که جهان صحنه نمایش است. صحنه دانستن جهان به شکار موقعیت‌های نمایشی از گوشه و کنار زندگی روزمره می‌انجامد.

نمایش‌نامه این‌جا کجاست؟ نیز از همین دست شکارها بود. من سال‌ها در سفرهایی به این سو و آن سو بارها مقابل چرخ نقاله چمدان‌ها ایستادم و انتظار کشیدم، اما فقط یک بار صحنه‌ای که دیدم صحنه نمایش بود: چند آدم غریبه، که برای مدت زمانی در محیط سر بسته هواپیما جمع شده‌اند، مقابل نیم بیضی بزرگی ایستاده‌اند و چشم دوخته‌اند به چمدان‌های رنگارنگ. موقعیت عجیبی است. این جمع هماهنگ کافی است با صدا یا حرکت کسی هماهنگ شود. یک نفر چمدانش را می‌یابد و از این صف انتظار بیرون می‌جهد. غریب‌ترین موقعیت زمانی است که چمدان‌ها یکی یکی می‌آیند و آدم‌ها یکی یکی می‌روند، اما چمدان تو نمی‌آید و می‌فهمی دارایی ات جایی جا مانده و از دیگران جدا شده‌ای، و این در لحظه اول اندوه‌بار و کلافه‌کننده است. هرچه پیش‌تر رفتم، دانستم که باید از تصویر مکرر «انتظار» آشنایی زدایی کنم و شالوده‌اش را بشکنم طوری که هم آشنا باشد و هم غریبه — شبیه صورتی کاپوس‌وار از تجربه. کارم که با چرخ نقاله تمام شد، تازه فکر کردم: «چه کسی باید منتظر چمدانش ایستاده باشد؟» آن وقت بود که «اعظم» را یافتم، گذشته‌اش (حسرت‌ها و خواسته‌هایش)

را ساختم و قرارش دادم در همین موقعیت به ظاهر آشنا که رفته رفته ناآشنا می‌شود.

نمایش نامهٔ بچه هم حاصل اخبار این سال‌ها و نگریستن به این قرن اشباع شده از مهاجران غیرقانونی است، حاصل درک موقعیت مهاجر به منزلهٔ پس ماند جوامع پیشرفته، حاصل کشف بدن مهاجر به عنوان بدنی از یاد رفته، پس زده و حتی ناموجود. در کندوکاو برای یافتن موقعیتی که وضعیت بغرنج مهاجر را بازتاب بدهد به مادرانی اندیشیدم که برای داشتن بچه‌ای با هم می‌جنگیدند، نوعی دایرهٔ گچی قفقازی^۱ امروزی. اما بعد دانستم که در دایرهٔ گچی قفقازی هنوز جهنم واقعی رخ نداده است. هنوز بچهٔ خوشبختی هست که دو نفر برای داشتنش می‌جنگند. موقعیت را وارونه کردم — نوعی دایرهٔ گچی قفقازی وارونه — و «بچه» از دل این وارونگی زاده شد. امروز این نمایش نامه برای من تجسم وضعیت همهٔ مادرانی است که فرزندان خود را در جنگ و آشوب و شکنجه از دست داده‌اند یا می‌دانند که روزی از دست خواهند داد اما با چنگ و دندان می‌کوشند آن روز فرا نرسد.

نخستین لایهٔ موضوعی هر دو نمایش نامه دربارهٔ مهاجرت است و به همین دلیل در یک جلد آمده‌اند. من در نگارش و اجرای هر دو نمایش نامه مدیون کسانی هستم. بچه در گفت‌وگو با افسانه ماهیان متولد شد و این جاکجاست؟ بدون حضور شیوا مسعودی و ریما رامین‌فر هرگز روی صحنه جان نمی‌گرفت.

زمستان ۱۴۰۰

۱. نمایش نامه‌ای از برتولت برشت که موضوع آن دربارهٔ دختر فقیری است که کودکی رها شده را به سرپرستی می‌گیرد. اما سال‌ها بعد مادر واقعی کودک پیدا می‌شود و آن دو زن برای تصاحب کودک به محکمه می‌روند.